



مردم آنچه را که می‌خواهند می‌بینند.

پارازیت؛ ضد عقل، ضد نظام، ضد سلامت؛ تماشش کنید!
عده‌ای تصور کردند که اگر ایرانی‌ها پای برنامه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان بنشینند، هم اجتماع از هم می‌پاشد و هم حکومت دچار چالش می‌شود. پارازیت؛ ضد عقل، ضد نظام، ضد سلامت؛ تماشش کنید!
زمانی هیچ کدام از برنامه‌هایی که از ماهواره پخش می‌شدند، به زبان فارسی نبودند. در آن سال‌ها،

هر چند گیرنده‌های ماهواره‌ای در خانه‌های ایرانیان حضور داشتند اما چیزی به نام پارازیت - لاقفل در این حجم وجود - نداشت. پارازیت‌ها هنگامی در فضای ایران به طور جدی حاضر شدند که شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان یکی پس از دیگری شکل گرفتند. در آن زمان عده‌ای تصور کردند که اگر ایرانی‌ها پای برنامه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان بنشینند، هم اجتماع از هم می‌پاشد و هم حکومت دچار چالش می‌شود. پارازیت؛ ضد عقل، ضد نظام، ضد سلامت؛ تماشش کنید!

واقعیت اما چیز دیگری بود. مردم برنامه‌های ماهواره‌ای فارسی را برغم پارازیت‌ها دیدند، گله صاف و گله کج و معوج، اما نه جامعه ایران فروپاشید و نه جمهوری اسلامی ایران به بن بست رسید. اتفاقاً بسیاری از برنامه‌هایی که اپوزیسیونی‌ها ساختند و روانه آنتن کردند بیشتر وهن خودشان بود تا تضعیف نظام.

آنچه مردم را در ماجرای ماهواره آزرده و بدبین کرد، نه برنامه‌های ماهواره‌ای که اتفاقاً همین پارازیت‌هایی بود که داخلی‌ها برای مهار امواج ماهواره‌ای ارسال کردند. در واقع، آنچه اتفاق افتاد، دقیقاً مصداق بارزی از نقض غرض بود.

فرض کنید برنامه‌ای قرار است از فلان شبکه ماهواره‌ای پخش شود. ممکن است این برنامه سیاسی باشد، یا یک برنامه خنثی باشد یا حتی یک برنامه مفید و آموزنده. در فرض نخست، ممکن است هدف سازندگان برنامه این باشد که بیننده بعد از دیدن برنامه، علیه جمهوری اسلامی موضع بگیرد. حال ممکن است بعد از دیدن برنامه، آنها به هدف شان برسند یا نرسند.

اما وقتی بیننده ایرانی بعد از روشن کردن تلویزیون به جای برنامه مورد علاقه، با پارازیت مواجه می‌شود، برنامه هر چه باشد، به دلیل آن که احساس مزاحمت می‌کند، موضع می‌گیرد و این یعنی کمک به سازندگان برنامه‌های ماهواره‌ای که حتی بدون دیدن برنامه‌هایشان هم افراد علیه نظام موضع بگیرند! حال آن که اگر برنامه را می‌دیدند، شاید این اتفاق می‌افتاد و شاید هم نمی‌افتاد. پارازیت، نسبه آنها را نقد می‌کند!

نکته بعدی این است که پارازیت نمی‌تواند دائمی باشد کما این که همین الان هم دائمی نیست و لذا

مردم نهایتاً آنچه را که می خواهند می بینند. حتی اگر شده، برنامه های ضبط شده ماهواره ای دست به دست می گردد تا آنهایی که ماهواره ندارند هم بتوانند ببینند ، مانند مستند اخیر یک شبکه ماهواره ای درباره انقلاب که احتمالاً بیشتر از بینندگان مستقیم اش، تماشاچی غیر مستقیم داشت.

از این گذشته ، پارازیت ها دایره ای به اندازه کل کشور ندارند و به جز شهرهای بزرگ و برخی شهرهای متوسط، تقریباً بقیه مردم در اکثر نقاط کشور و اکثر زمان ها قادر به دریافت امواج ماهواره ای به بهترین وجه ممکن هستند.

با این اوصاف، پارازیت ، عملاً نقشی در ممانعت از دسترسی مردم به شبکه های ماهواره ای ندارد و فقط ، بر نظام هزینه تحمیل می کند. در واقع ، ارسال پارازیت ، عملاً یک اقدام بیهوده است: مردم شبکه های ماهواره ای را می بینند و این وسط ، نظام به واسطه کاری که برخی نهادها در ارسال پارازیت می کنند، متحمل هزینه مادی و معنوی می شود.

نکته بعدی درباره پارازیت ها، تأثیرات منفی آن بر سلامتی انسان هاست. اخیراً سازمان محیط زیست که متولی سلامت محیط زیست است اعلام کرد که تحقیقات نشان می دهند پارازیت ها احتمال ابتلای انسان ها به سرطان را افزایش می دهند.

پیشتر نیز برخی متخصصان نسبت به آثار منفی پارازیت ها هشدار داده و از جمله بر تبعات ناگوار آن بر جنین و نوزادها تأکید کرده بودند. در مقابل گروهی می گویند که آثار منفی پارازیت بر سلامت انسان ها ثابت نشده است.

در این باره باید گفت که اگر آثار منفی پارازیت ها بر سلامت انسان ها ثابت شده ، ادامه ارسال پارازیت ها با هر بهانه و توجیهی ، یک جنایت آشکار علیه انسان هاست. در شرع و قانون و عرف، فرقی نمی کند که فرد ، با چه وسیله ای به دیگران آسیب برساند و مثلاً آنها را بکشد ، روزگاری با سنگ و چوب این کار را می کرد، زمانی با دشنه و شمشیر و سپس با تفنگ و بمب و شاید با امواج! در هر حال آسیب رساندن به دیگران ممنوع است و مستوجب مجازات و ای بسا قصاص.

اما اگر هنوز زیان پارازیت ها ثابت نشده باشد نیز ، باید ارسال آن تا زمان اثبات قطعی بی ضرر بودنشان متوقف شود. هیچ عقل سلیمی نمی پذیرد میلیون ها نفر را در برابر امواج پارازیت قرار داد و در پاسخ منتقدان گفت: "هنوز زیانبار بودنش ثابت نشده است!"

اخیراً هم سازمان هواشناسی رسماً اعلام کرده است که یک سوم تصاویر ماهواره ای هواشناسی ، به دلیل تأثیرپذیری از پارازیت ها ، نامفهوم هستند. در واقع ، میلیاردها تومان سرمایه گذاری فنی و نیروی انسانی شده تا سازمان هواشناسی بتواند خدمت رسانی کند ولی به راحتی پارازیت ارسال می شود تا این امکانات را اثر شوند! این کار معنایی جز عملیات علیه نیروهای خودی ندارد.

نتیجه چنین وضعیتی نیز در وقایعی مانند توفان بهار امسال در تهران خود را نشان می دهد که به دلیل اثرات پارازیت ها بر سامانه های هواشناسی، پیش بینی توفان میسر نشد و دستکم 5 نفر به همین دلیل و به همین سادگی، جان خود را از دست دادند.

مخلص کلام این که:

- ارسال پارازیت ، عملاً دسترسی مردم به شبکه های ماهواره ای را از بین نبرده و نمی برد و لذا از این بابت کاملاً بی فایده است.

- مردم را از نظر سیاسی نسبت به نظام بدبین می کند ، پس از نظر سیاسی هم مضر است.

- از منظر سلامت عمومی نیز ، متهم است که مردم را به انواع بیماری ها دچار می کند.

- ضمن این که به برخی سامانه های خودی از جمله سیستم های هواشناسی آسیب می زند.

پس عقل سالم ، با یک محاسبه سرانگشتی، همه فهم و خردمندانه ، حکم به حذف پارازیت ها می کند.

ارسال پارازیت، به معنای تلاش برای پلک کردن صورت مسئله است. هیچ کس نمی تواند منکر آثار مثبت و منفی شبکه های ماهواره ای بر جامعه ایران باشد. روش منطقی و آینده نگرانه در تعامل با این پدیده گریزناپذیر این است که به مردم آموزش های لازم داده شود و مثلاً به والدین آموخته شود که چگونه برخی شبکه ها را از دسترس فرزندان خود دور کنند ، یا به آنها یاد داده شود که هنگام تماشای برخی برنامه ها ، باید در کنار فرزندان خود باشند تا بتوانند هر جا لازم شد توضیحاتی دهند یا همان جا به سوالات آنها پاسخ دهند، یا در مقابل برخی برنامه های ماهواره ای ، برنامه های مناسب در داخل تولید شود و ... ولی همه این ها وقتی که صورت مسئله با پارازیت پلک می شود ، به محاق می رود و جالب اینجاست که در واقع، صورت مسئله هم پلک نشده است و تنها توهم پلک شدنش وجود دارد!